پیشخوان

«روزشمار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲» در یک نگاه

در وقایع‌نگاری مبدأ نهضت اسلامی

■ شاهد توحیدی

اثری که اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن هویداست به «روزشمار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲» پرداخته است. این پژوهش از سوی گروه تاریخ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی انجام شده و انتشارات سوره مهر آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای ناشر در بازنمایی موضوع این کتاب، نکات پی آمده را مورد اشاره قرار داده است: «واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، یک روز تاریخی برای نهضت اسلامی مردم ایران است که در حافظه جمعی ایرانیان با چند ویژگی شناخته می‌شود. سخنرانی مهم امام‌خمینی(ره)، دستگیری امام و شهادت گروهی از طرفداران او. روز شمار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، یک پروژه تحقیقاتی تاریخ معاصر بود که از نخستین روزهای سال ۱۳۷۶ آغاز شد. این بررسی از آغاز سال ۱۳۴۰ تا پایان سال ۱۳۴۳ شمسی را دربر گرفته است تا از مقدمه و بازتاب حوادث خرداد ۱۳۴۲ به صورت کامل یاد کند. منابع داخلی و خارجی این روزشمار در قالب کتاب، نشریه، مطبوعات و اسناد است که برخی از آنها برای اولین بار است که مورد توجه و استفاده قرار گرفته‌اند. بررسی تمامی این منابع، حدود پنج سال طول کشید و اوایل دهه ۱۳۸۰، کار نگارش اثر آغاز شد. در این نگارش با هدف اطلاع‌رسانی دقیق وقایع، روایت‌های منابع از یک خبر یا اتفاق به گونه‌ای تلفیق شده‌اند که در نهایت نمای کامل و در حد امکان لحظه به لحظه‌ای از ماجرا ارائه کنند. روزشمار هر روز با عنوان خبرهای همان‌روز آغاز شده و سپس متن خبرها آمده است. این متن پی‌نوشتی دارد که شامل نشانی منابع خبری است. نشانی منابع مطبوعاتی نیز در همین پی‌نوشت

۱۵ خرداد ۱۳۴۲. نمایی از تظاهرات در تهران

آمده است، اما نشانی منابع کتابخانه‌ای، در ضمیمه دیگری در پایان هر جلد با نام کتابنامه تکمیل شده است. در پایان هر جلد به جز کتابنامه، فهرست نمایه قرار دارد که شامل معرفی شخصیت‌ها، مکان‌ها، نشریه‌ها، منابع خبری و شرح بعضی از مفاهیم است. لازم به ذکر است که معرفی‌شدگان در نمایه جلد اول، در جلدهای بعد دوباره معرفی نشده‌اند و نمایه جلدهای بعد شامل نام‌هایی است که برای نخستین بار در آن جلدها آمده است...»

در بازسازی فضای خرداد ۱۳۴۲، می‌توان به اسناد فراوانی مراجعه کرد. یکی از این اوراق، نامه تاریخی امام خمینی به آیت‌الله العظمی سید محمدهدی میلانی است که در آن آمده است: «مطالب به نظر حقیر، در پرده ابهام عجیبی است و مسائل روز به‌هیچ‌وجه روشن نیست و اخبار گوناگون داخل و خارج، موجب نگرانی شدید اینجانب است و خوف آن است که دسته‌ای خبیث ناپاکی، بخواهند به تمامیت ارضی مملکت خدای‌نخواسته لطمه‌ای وارد کنند. اولیای امور یا غافل هستند، یا معذور. در عین حال وضع خارجی خصوصاً مطالبی که در موضوع خوزستان و کردستان گفته می‌شود و اخیراً در جراید راجع به خوزستان نوشته می‌شود و دولت باید آرامش داخلی را به هر نحو است حفظ کند، دیده می‌شود که کارهای تحریک‌آمیزی در داخل انجام می‌گیرد. شیراز را به گرفتن آقای دستغیب و جهرم و حوالی آن را به گرفتن آقای میرحسین آیت‌اللهی و تبریز را به گرفتن آقای قاضی طباطبایی و قم و تهران را به گرفتن جمعی از اهالی منبر و خراسان را به گرفتن آقای طبسی و کارهای دیگر و اصفهان را به نحو دیگر و سایر بلاد را هر یک به نحوی، ناراحت و عصبانی می‌کنند. این مطالب حقیر را ناراحت و نگران کرده است و می‌ترسم خدای‌نخواسته صحنه‌های اسف‌انگیزی به وجود آید که برخلاف مصالح مملکت و اسلام است. تنبیه اولیای امور بی‌اثر است و مثلاً اینکه به طور خودکار یا الزام کارهایی انجام می‌شود که عاقبت و خیلی خدای‌نخواسته داشته باشد....»

«آینده حزب‌الله لبنان و ملاک‌های ترسیم آن» در آیینه تحلیل سیدعبدالله صفی‌الدین

نگران مقاومت نباشید در منطقه و جهان اوج می‌گیریم

■ محمدرضا کائینی

در شش ماه اخیر، یکی از مهم ترین دغدغه‌های حامیان جریان مقاومت، آینده حزب‌الله لبنان و تلاش برای ترسیم واقعی آن بوده است. اخیراً و در این‌باره، سیدعبدالله صفی‌الدین نماینده این حزب در تهران در گفت‌وشنودی مبسوط با ماهنامه پاسدار اسلام به ارائه نکاتی مهم دست زده است. مقال پی آمده درصدد است تا برخی از سرفصل‌های مهم این مصاحبه را مورد بازخوانی تحلیلی قرار دهد. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ علاقه به مقاومت، صددرصد افزایش خواهد یافت

ایمان و امید به آینده از ویژگی‌های چهره‌های شاخص مقاومت، حتی در گذرگاه‌های خطیر است. سیدعبدالله صفی‌الدین نماینده حزب‌الله لبنان در تهران نیز چنین خصالی دارد. او بر این باور است که به رغم پاره‌ای از فراز و فرودها، پیروزی نهایی متعلق به حزب‌الله است. او در نشان دادن تفاوت شرایط این گروه، در آغاز فعالیت نسبت به اکنون به نکات پی آمده اشارت می‌برد:

«کافی است به رشد حزب‌الله نگاه کنیم. ما در آغاز کار چه داشتیم؟ مقاومت با امکانات و نیروی بسیار محدودی شروع شد. وقتی اعتقاد انسان به خدا باشد با امکانات محدود هم نیروی زیادی ایجاد می‌شود. مثلاً به عملیات شهید احمدقصیر نگاه کنید. او عملیاتش را با یک ماشین پژوی قراضه انجام داد! دوستان اصلاً پول نداشتند که ماشین خوب بخرند. از مواد منفجره خیلی ساده استفاده کردند، منتها آن را خوب درست کردند و این اثر بزرگ را در تاریخ مقاومت بجا گذاردند. عملیات مقاومت در روزهای نخست، واقعاً سنگین بود و البته همان‌ها هم کار را بر رژیم‌صهیونیستی سخت کرد. ما به یک اصل اعتقاد داریم. همان که در حدیثی قدسی نیز آمده است: ای بنده من سعی کن و من هم با تو سعی می‌کنم! یعنی شما کار را شروع کنید و تکلیف‌تان را انجام بدهید، خداوند هم مددکارتان خواهد بود. در روزهای اول که مؤسسین از لبنان خدمت امام‌خمینی آمدند از محضرشان کسب تکلیف کردند. امام فرمودند: به لبنان برگردید و از صفر شروع کنید، مقاومت کنید، پیروزی از آن شما خواهد بود... صحبت امام دقیقاً این بود. آن زمان برخی در برابر این صحبت امام گفتند: پیرمرد چه می‌گوید؟ بعضی از آقایان و بزرگان از شیعیان در لبنان گفتند: این چه حرفی است؟ ما در مقابل دنیا و رژیم‌صهیونیستی، با این امکانات کم و با آن همه امکانات آنها چه کاری می‌توانیم بکنیم؟ با این همه دوستان در حزب‌الله، تنها به ادای تکلیف اندیشیدند و با همین امکانات اولیه، روز به روز رشد کردند. به این‌دلیل من اعتقاد دارم که حزب‌الله به دلیل به کاربستن همین فرمول پیروز شد. ما یک قدم جلو می‌رویم، خدا ۱۰ قدم برای ما راه باز می‌کند! نه اینکه ما قابل شکست داده شدن نیستیم، خیر، ما هم شکست می‌خوریم، انسان در مسیر رشد گاهی زمین می‌خورد، اما از جا بلند می‌شود. حزب‌الله، واقعاً به دنبال اجرای تکلیف بود. نه فقط در لبنان، بلکه در نقاط دیگر هم اینگونه بود. امام یک تکلیف کوچک داد و عده‌ای آن را مالایطاق تفسیر کردند. در آن دوره، یک تکلیف سیاسی بود و نه الزاماً نظامی، اما الحمدلله در لبنان، هیچ‌یک از دوستان ما و اعضای مقاومت نه در ادای تکلیف کوتاهی و نه حتی تردید کردند، بلکه با همان امکانات اندکی که بود، به دنبال اجرا رفتند. من اعتقاد دارم که این مسئله خیلی مهم است. همین روحیه همچنان است و ان‌شاءالله می‌ماند. من اعتقاد دارم این کربلای جدیدی که در لبنان ایجاد شد، باعث می‌شود که علاقه به مقاومت صددرصد افزایش پیدا کند و ان‌شاءالله در منطقه و در دنیا اوج خواهد گرفت...»

■ از مردمی که هزینه‌های بزرگ داده‌اند، هیچ گلایه‌ای شنیده نمی‌شود!

اطمینان به نفس حزب‌الله در ادوار خطیر حیات خویش، همیشه بسترساز پیروزی‌های بزرگ بوده است. آنان و رهبر شهیدشان برای جامعه خویش و جهان، همواره به عنوان منادیان وعده‌های صادق شناخته شده‌اند، اما راز این محبوبیت و مانایی کم‌بدیل چیست؟ صفی‌الدین در این فقره معتقد است که آگاهی عمومی مردم و افزایش دائمی بصیرت آنان رقم زننده این پیروزی‌ها بوده و خواهد بود:

«چیزی که باعث شد حزب‌الله بتواند بایستد و کار خود را ادامه دهد، تأکید سید روی تقویت اندیشه و روحیه مردم بود. او حقیقتا، فکر و قدرت تشخیص مردم را تقویت کرد. مردمی که بصیرتشان، فوق‌العاده بالاتر از بینش بسیاری ازمردم در جهان اسلام است. بعضی از سران کشورهای اسلامی، بصیرت مردم عادی روستایی لبنان را ندارند! سید برای این موضوع، خیلی زحمت کشید و این باعث شد که وقتی می‌گوییم مقاومت پیروز شد، واقعاً این مردم باشند که به پیروزی رسیده‌اند. بعد از جریانات اخیر که نه تنها رژیم‌صهیونیستی، بلکه نظام‌های بین‌المللی علیه ما در زمینه‌های نظامی، تبلیغاتی و... بسیج شدند، واقعاً در لبنان کربلای جدیدی ایجاد شده است! اکثر رهبران مقاومت لبنان شهید شده‌اند، اما فرق لبنان با کربلا مردم هستند که بسیار باهوشند. با این کشتارها و انهدام‌های وسیع علیه مردم، روحیه آنها بیش از پیش تقویت شده است و می‌گویند اگر باز هم جنگ بشود، حاضریم چه از لحاظ جانی، چه مالی و چه هر زمینه دیگری، وارد میدان بشویم! بعضی از خانواده‌ها پنج تن از اعضای خود را از دست داده‌اند! تمام اموال و املاک‌شان از بین رفته، ولی خودشان مثل کوه ایستاده‌اند! این نتیجه زحمات سید ظرف ۳۰ سال گذشته است که باعث می‌شود این فجایع هیچ تأثیری نگذارد. یکی از نکاتی که شهید نصرالله بدان اعتقاد راسخ داشت، این بود که اگر مردم مثل کوه بایستند، هیچ کسی نمی‌تواند مقاومت را از بین ببرد، یا متزلزل کند. این رفتارهای امنیتی و نظامی دشمن، از قبیل منهدم کردن املاک و زندگی مردم، اگر برای یک ارتش یا یک دولت به وجود می‌آمد، حتماً آن ارتش و دولت ساقط می‌شد و از بین می‌رفت، اما چرا حزب‌الله ماند و تا لحظه آخر مقاومت کرد و تا به‌حال هم آماده مقاومت است؟ چون مردم به‌طور کامل، حامی آن هستند. درست است که منازل مردم منهدم شده و مردم ما در ضاحیه و مناطق مختلف، سیاه پوشیده‌اند و همه‌جا عزاداری و شبیه کربلاست. هر کسی که به لبنان می‌آید و به وضعیت می‌نگرد، تعجب می‌کند که از مردم کوچک‌ترین گلایه‌ای شنیده نمی‌شود! ۹۹ درصد آنها که مذهبی هستند، می‌گویند الحمدلله رب‌العالمین!...»

■ مردم، همه نصرالله و صفی‌الدین شده‌اند!

شهادت علامه سیدحسن نصرالله رهبر فقید حزب‌الله، در میان مردم مقاوم لبنان و شیعیان و مسلمانان و آزادیخواهان جهان، عکس‌العمل عاطفی گسترده‌ای ایجاد کرد. این امر موجب شد تا انگیزه جریان مقاومت در لبنان و جهان، برای تداوم ایستادگی در برابر رژیم‌صهیونیستی افزون شود. چنانکه صفی‌الدین اذعان دارد:

«می‌توانم با جدیت بگویم که کوچک‌ترین تزلزلی در نیروهای حزب‌الله به وجود نیامده و همگی برای دفاع، همچنان آمادگی کامل دارند. البته دوستان ما از این بیم دارند که نکند در از دست رفتن این همه شهید تقصیری داشته‌باشند، اما این احساس کوچک‌ترین خللی در اراده آنها ایجاد نکرده است. این افراد با سید زندگی کرده‌اند و رفتارهای او را در چنین شرایطی دیده‌اند. منطقه ما و خود ما کاملاً کربلایی شده‌ایم! اگر کسی به ما پیوست، خدا به ما توفیق بیشتری می‌دهد. اگر کسی را از دست دادیم یا مواضعش عوض شد، برای ما تأثیر زیادی نخواهد داشت و فقط افسوس می‌خوریم که بنده خدا از مسیر خارج شد، ولی ما هستیم و خواهیم بود. در مسیری که سید ترسیم کرد، ان‌شاءالله خطایی وجود ندارد. فرمود: زمان شکست‌ما، از سال ۲۰۰۰ سپری می‌شود و زمان پیروزی‌ها می‌رسد. قاعدتاً بعضی‌ها می‌گویند، با توجه به مسائلی که رخ داده، چگونه از پیروزی‌ها حرف می‌زنید؟ ما می‌گوییم: پیروزیم، چون هستیم و مانده‌ایم. هدف اصلی دشمن حذف مقاومت بود، اما تا این لحظه مقاومت، نه فقط از لحاظ نظامی و ملی حضور جدی‌تر و قوی‌تری دارد، بلکه از لحاظ روحیه مردم هم شرایط بسیار بهتر شده است. با وجود این همه شهید که داده‌ایم، روحیه مردم ۱۰ برابر شده است! ما همچنان خلوص سید را در تدبیر، کار و مدیریت لمس می‌کنیم. به همین دلیل می‌گوییم که او زنده است و ان‌شاءالله خودش این جنگ را مدیریت می‌کند. به قول یکی از علما درست است که جسم سیدحسن و سیدهاشم در میان ما نیست، اما خودشان دارند از آسمان این جنگ را مدیریت می‌کنند! الحمدلله مسیری که سید ترسیم کرد، ادامه دارد و اثبات می‌کند که ما بر مسیر حق هستیم. همان فداکاری‌هایی که در کربلا بود، در اینجا هم مشاهده می‌شود، منتها با یک فرق که در آن دوره این حمایت مردمی برای حضرت امام‌حسین(ع) وجود نداشت، ولی بحمدالله الان به همت آن بزرگان و فرصت‌ها و امکاناتی که پدید آمده‌اند، مردم همه سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین شده‌اند...»

■ سقوط بشار اسد، از حزب‌الله نمی‌کاهد

نماینده حزب‌الله در تهران معتقد است که راه‌های حمایت جهان از مقاومت در لبنان، به قدری پیچیده و متنوع است که سقوط حکومت بشار اسد در سوریه، مشکلی برای آن ایجاد نکند. او همچنین در باب تعامل حزب با سوریه در ادوار ریاست جمهوری حافظ اسد و بشار اسد و تفاوت میان آنها توضیحاتی خواندنی ارائه کرده است:

«بی‌تردید سوریه، در موضع دشمنی با اسرائیل بود. تکلیف ما تقویت چنین مواضعی بود و تا همین روزهای آخر هم به تکلیف خودمان عمل کردیم، اما نشد! این بدان معنا نیست که حزب‌الله ضعیف می‌شود. روش‌های کاری ما تغییر خواهند یافت. کسانی که این سخنان را می‌گویند، نه حزب‌الله را می‌شناسند و نه لبنان را. کسی که اراده دارد، می‌تواند از سنگ به موشک برسد! کسی که اراده دارد، از زیر دریا تونل باز می‌کند و دچار مشکل نخواهد شد. شاید سختی‌ها بیشتر شود. در دوره حافظ اسد، سوریه مثل دوره بشار اسد برای ما باز نبود، ولی در زمان حافظ اسد هم مقاومت کردیم و در جنگ‌های هفت روزه و ۱۶ روزه، پیروز شدیم و اسرائیل نتوانست کاری از پیش ببرد. تصور ضعف حزب‌الله به خاطر وقایع اخیر به خاطر عدم شناخت از این گروه و ویژگی‌های لبنان مطرح می‌شوند. اتفاقاً اگر این‌طور فکر کنند، به نفع ماست! ما در طی ۴۲ سال گذشته، مقهور تبلیغات نشده‌ایم و همچنان نخواهیم شد... به هرحال، برای ما نگران نباشید! حتی اگر اوضاع بحرانی شود، الگوگیری از کربلا همچنان هست و تأثیر آن هم، هر روز بیشتر خواهد شد. به اعتقاد من در مناطق مختلف، نفس ماندن مقاومت در لبنان و روحیه پایمردی در اعضای آن و همچنین شعارها و رموز جدیدش ـ که عبارت است از سیدحسن نصرالله و سید هاشم صفی‌الدین و فرماندهانی که شهید شدند ـ انرژی قوی‌ای خواهد شد برای ایجاد مقاومت‌ها و به‌طور مشخص‌تر، آزادی سوریه را نیز نزدیک خواهد کرد. حضرت آقا هم در فرمایشات اخیر خود، بر همین مضامین تأکید فرموده‌اند. آینده بسیار خوب است...»

■ در یک سال آینده، به صحنه سوریه نگاه می‌کنیم و فقط می‌خندیم!

نگاه حزب‌الله به شرایطی که صحنه سوریه انتظار آن را می‌کشد، از فرازهای جذاب گفت و شنود با صفی‌الدین است. او اعتقاد دارد که طی سال آینده و در عرصه سیاست آن کشور، تضادهای پنهان آشکار خواهند شد و دولت‌ها و عناصر ذی‌نفع با یکدیگر چالش خواهند داشت:

«به نظر من این فتنه‌ای که الان در سوریه راه‌اندازی کرده‌اند، برخوردها بین ترک‌ها و اسرائیل و همچنین اصطکاک منافع با عراق را به دنبال خواهد داشت. در روزهای آینده خواهیم دید که ترک‌ها چه خواهند کرد و چه سهمی از این وقایع خواهند گرفت، یا رژیم صهیونیستی چه سهمی می‌گیرد. البته در این بین، بین خودشان تعارضات بزرگی پیش خواهد آمد. فتنه‌ای که به نفع خودی‌ها تمام خواهد شد. در یک سال آینده، فقط باید صبر کنیم. البته باید خودمان را هم برای دفاع احتمالی آماده کنیم. وقایع پیش‌رو، می‌تواند خیلی جالب باشد. در رأس این مسائل، بحث تعارض منافع کشورهای منطقه است. من قبلاً می‌گفتم که جنگ روسیه و ترکیه روی خواهد داد، الان دارد اتفاق می‌افتد. چون ترک‌ها و اروپایی‌ها دارند تلاش می‌کنند که روس‌ها را از سوریه اخراج کنند. تنها بندری که روس‌ها در خاورمیانه دارند، بندر لاذقیه است. می‌خواهند این را از روسیه بگیرند. منافع روس‌ها، در خاورمیانه به خطر خواهد افتاد. ناتو می‌خواهد به منافع روسیه تجاوز کند و روسیه پاسخ خواهد داد. اول از همه در کجا این کار را می‌کند؟ در ترکیه. خواب اردوغان این است که حلب و مناطق صنعتی مال آنها شود. روسیه در بندر لاذقیه منافع دارد. اگر تعطیل شود، منطقه به سمت درگیری خواهد رفت. وقتی که می‌خواهند قانون اساسی را بنویسند و مناطق را بین خودشان تقسیم کنند، قطعاً درگیری ایجاد خواهد شد. در سال آینده، به صحنه نگاه می‌کنیم و فقط می‌خندیم! انتقام خدا برای خون سیدحسن زیاد خواهد بود، چون خونش خیلی عزیز است. خدا آنها را بدون درگیری بین خودشان رها نمی‌کند!...»

■ مخالفان نیز به زودی درخواهند یافت که سلاح باید در اختیار حزب‌الله باشد

موضوع سلاح حزب‌الله از جمله نکاتی که امروز در لبنان مطرح و به موضعی برای چالش تبدیل شده است. صفی‌الدین معتقد است که مخالفان حزب‌الله نیز به زودی ضرورت آن را درک خواهند کرد. چه اینکه گروه یاد شده، هیچ‌گاه از سلاح خویش برای مسائل داخلی لبنان استفاده نکرده است:

«بعضی‌ها فکر می‌کنند که حزب‌الله نباید سلاح داشته باشد. منتها آنها به زودی درخواهند یافت که حزب‌الله سلاح دارد، ولی برای داخل لبنان از آن استفاده نمی‌کند. اینها خواهند دید که چند ماه دیگر در سوریه چه اتفاقی خواهد افتاد. نیاز به حزب‌الله در لبنان، نیاز مبرمی است. آنها هم دیدند که ما برای خودمان چیزی نخواستیم. بله آنها که با رژیم‌صهیونیستی و امریکا ارتباطاتی دارند، مخالف سلاح حزب‌الله هستند. آنها خیلی زود پشیمان خواهند شد و اصرار خواهند کرد که سلاح در اختیار حزب‌الله بماند. مگر سلاح حزب‌الله از مسیحیان لبنان دفاع نکرد؟ خود مسیحی‌ها این را می‌فهمند، اما عده‌ای هم این مسئله را درک نمی‌کنند، آنها دستگاه اطلاعاتی و امنیتی هم دارند. با این همه مخالفت‌های آنان برای ما مهم نیست. به هرحال لبنان فضای بازی دارد و ماهم متوقع نیستیم که همه یک فکر داشته باشند. مهم این است که آنها نمی‌توانند برای ما مشکلی ایجاد کنند...»

■ از چشم برادر...

سرانجام برای سیدعبدالله صفی‌الدین، بس دشوار است که در موسم سوگ شهید سیدحسن نصرالله و بسا فرماندهان شهید حزب‌الله از برادرش شهید سیدهاشم صفی‌الدین بگوید. او سؤال پاسدار اسلام در این باره را به ترتیب پی آمده پاسخ داده است:

«روزی که خبر انفجار پیجرها منتشر شد. بعد از غروب با سیدهاشم تماس گرفتم و گفتم: تعداد مجروحان فلان مقدار است، اگر موافق هستید به مسئولان امر در ایران بگوییم و درخواست کنیم که برای انتقال مجروحان هواپیما بفرستند. گفت خوب است، ولی باید از سید اجازه بگیریم. با سید صحبت کرد و سید گفته بود نه، نظرشان این بود که زحمت می‌شود، برای ایران مزاحمت درست نکنید. سیدحسن، خیلی رعایت این مسئله را می‌کرد. سپس من با سید صحبت کردم، گفت به‌شرط اینکه خود شما در جریان کار باشید. نگران بود. من همان شب به آقای کولیوند زنگ زدم و او گفت هماهنگ می‌کنیم و فردا در بیروت هستیم. ساعت چهار صبح به بیروت رفتیم، من ساعت ۱۰ رفتم و یک ساعت با سید هاشم حرف زدم. صحبت‌های زیادی کردیم. من گفتم می‌روم و شاید دیگر تو یا سیدحسن را نبینم، سلام مرا برسان و بگو دعا کنید که فلانی قبل از شما شهید شود. سیدهاشم اهل شوخی بود و گفت: دعا می‌کنم قبل از من از دنیا بروی! سپس گفت: من نگران شما هستم، اگر از شما زودتر بروم، خودت باید خانواده ما را اداره کنی و مشکلات زیادی برایت پیش خواهد آمد! گفتم: واقعاً نگران من هستی، چون دلت بزرگ است! در سفر قبل از آن، دو ساعت با شهید سیدحسن نصرالله حرف زدم. همیشه می‌گفت: «اگر پیش آقا رفتید، بگویید برای ما دعا کنند و نگران ما نباشند...» سیدخیلی خوش‌بین بود، منتهی بعد از قضیه پیجرها قدری اندوهگین شد! ۴ هزار مجروح در ظرف یک لحظه برای همه سخت بود. اما همیشه به لطف خدا امیدوار بوده و هستیم...»

می‌توانم با جدیت بگویم که کوچک‌ترین تزلزلی در نیروهای حزب‌الله وجود نیامده و همگی برای دفاع، همچنان آمادگی کامل دارند. البته دوستان ما از این بیم دارند که نکند در از دست رفتن شهدا تقصیری داشته باشند، اما این احساس کوچک‌ترین خللی در اراده آنها ایجاد نکرده است. این افراد با شهید نصرالله زندگی کرده‌اند و رفتارهای او را در چنین شرایطی دیده‌اند. منطقه ما و خود ما کاملاً کربلایی شده‌ایم!

در آخرین دیدار با شهید سیدحسن نصرالله، دو ساعت صحبت کردیم. همیشه می‌گفت: «اگر پیش آقا رفتید، تنها بگویید برای ما دعا کنند و نگران ما نباشند...» سید خیلی خوش‌بین بود، منتهی بعد از قضیه پیجرها قدری اندوهگین شد! ۴ هزار مجروح در ظرف یک لحظه، برای همه سخت بود. دشواری‌های زیادی را تحمل کردیم، اما همیشه به لطف خدا امیدوار هستیم